

﴿ابودر چشم بیدار زمان﴾

وصیت پیامبر اعظم ﷺ به ابودر غفاری رحمه

مؤلف:

حجت الاسلام والمسلمین لطف الله دژ کام

سرشناسه	: دژکام، لطف الله، ۱۳۴۱-
عنوان و نام پدیدآور	: ابوذر چشم بیدار زمان: وصیت پیامبر اعظم (ص) به ابوذر غفاری / مولف لطف الله دژکام؛ تهیه و تنظیم امور فرهنگی و تدوین نماز جمعه جهرم.
مشخصات نشر	: جهرم: مصلی، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری	: ۵۵۰ ص.
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۹۴۵۷۲-۳-۹
وضعیت فهرست نویسی	: فیا
یادداشت	: فارسی - عربی.
موضوع	: محمد (ص)، پیامبر اسلام، قبل از هجرت - ۱۱ ق. -- وصیتنامه
موضوع	: احادیث اخلاقی
موضوع	: اخلاق اسلامی
رده بندی کنگره	: BP۱۳۹۲۴۸۰ الف ۴۴ /
رده بندی دبیری	: ۶۱/۲۹۷
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۲۵۵۶۷۰

نام کتاب	: ابوذر چشم بیدار زمان
مؤلف	: حجت الاسلام والمسلمین لطف الله دژکام
تهیه و تنظیم	: امور فرهنگی و تدوین نماز جمعه جهرم
طرح جلد	: حامد توکلیان
ناشر	: مصلی
چاپخانه	: زمزم
نویت چاپ	: اول
تاریخ انتشار	: ۱۳۹۲
قیمت	: ۱۲۰۰۰ تومان
نشانی انتشارات	: جهرم، جنب شهرداری، تلفن: ۲۲۴۶۹۶ - ۷۹۱.

الف

نصایح پیامبر اسلام ﷺ به ابوذر

این حدیث در کتاب «مکارم الاخلاق» اثر رضی الدین، حسن بن فضل طبرسی، از علمای قرن ششم هجری، فرزند امین الاسلام طبرسی (صاحب تفسیر مجمع البیان) آمده است. ایشان این حدیث را از پدرشان با ذکر سلسه سند ذکر می نمایند؛ سپس این حدیث در کتاب «تنبيه الخواطر و نزهة النواظر» معروف به «مجموعه ورام» نوشته ورام بن ابی فراس مالکی اشتری (متوفای ۶۰۵ هجری) آمده است. مرحوم مجلسی نیز این حدیث را به نقل از کتاب «مکارم الاخلاق» در جلد ۷۴ بحار الانوار آورده است. ایشان پس از نقل این روایت، سندهای دیگری را ذکر می نمایند این روایت از طریق ابو أسود دؤلی نقل شده است. در این متن از ترجمه (سید ابراهیم میر باقری) استفاده شده است.

أُبُوذَرِّبِ بْنِ أَبِي الْأَسْوَدِ الدَّؤَلِيِّ عَنْ أَبِي الْأَسْوَدِ قَالَ: قَدِمْتُ الرَّبَذَةَ، فَدَخَلْتُ عَلَى أَبِي ذَرٍّ جُنْدَبِ بْنِ جُنَادَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، فَحَدَّثَنِي أَبُو ذَرٍّ قَالَ، دَخَلْتُ ذَاتَ يَوْمٍ فِي صَدْرِ نَهَارِهِ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فِي مَسْجِدِهِ، فَلَمْ أَرِ فِي الْمَسْجِدِ أَحَدًا مِنَ النَّاسِ إِلَّا رَسُولَ اللَّهِ ﷺ، وَ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى جَانِبِهِ جَالِسًا، فَاعْتَمَمْتُ خُلُوةَ الْمَسْجِدِ فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ ﷺ، يَا أَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي أَوْصِنِي بِوَصِيَّةٍ يَنْفَعُنِي اللَّهُ بِهَا، (ابوذر گفت: روزی در مسجد، خدمت رسول گرامی ﷺ رسیدم. در مسجد، جز پیامبر اسلام و علی (علیه السلام) کسی دیگر نبود. خلوت مسجد را مغتنم شمردم و پیش رسول الله ﷺ رفتم، گفتم: «ای رسول خدا! پدر و مادرم فدایت ... مرا وصیت و سفارشی کن، تا خداوند مرا به خاطر آن سود دهد).

فَقَالَ نَعَمْ وَ أَكْرَمَ بِكَ. يَا أَبَا ذَرٍّ إِنَّكَ مِنَّا أَهْلُ الْبَيْتِ، وَ إِنِّي مُوصِيكَ بِوَصِيَّةٍ فَاحْفَظْهَا، فَإِنَّهَا جَامِعَةٌ لَطَرُقِ الْخَيْرِ وَ سُبُلِهِ، فَإِنَّكَ إِنْ حَفِظْتَهَا كَانَ لَكَ بِهَا كِفْلَانِ (فرمود: چه خوب، ای ابوذر! تو از مایی. تو از خانواده مایی، و تو را سفارش می کنم که آن را خوب فراگیری، وصیت و توصیه ای

که در بردارنده تمام راه ها و روش های خیر و خوبی است. اگر آن را بیاموزی و پاسداش باشی به منزله دو بالی خواهد بود که تو را در پرواز مدد کند.

يَا اِبَادِرَا اعْبُدِ اللّٰهَ كَاَنَّكَ تَرَاهُ، فَاِنْ كُنْتَ لَا تَرَاهُ فَاِنَّهُ يَرَاكَ، وَ اعْلَمُ اَنَّ اَوَّلَ عِبَادَةِ اللّٰهِ الْمَعْرِفَةُ بِهِ، فَهُوَ الْاَوَّلُ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ فَلَا شَيْءَ قَبْلَهُ، وَ الْفَرْدُ فَلَا ثَانِي لَهُ وَ الْبَاقِي لَا اِلٰى غَايَةٍ، فَاطِرُ السَّمَاوَاتِ وَ الْاَرْضِ وَ مَا فِيْهِمَا وَ مَا بَيْنَهُمَا مِنْ شَيْءٍ، وَ هُوَ اللّٰهُ الْلَطِيفُ الْخَبِيرُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، ثُمَّ الْاِيْمَانُ بِهِ، وَ الْاِقْرَارُ بِاَنَّ اللّٰهَ تَعَالٰى اَرْسَلَنِيْ اِلَى كَافَّةِ النَّاسِ، بِبَشِيرٍ وَ نَذِيرٍ وَ دَاعِيًا اِلَى اللّٰهِ بِاِذْنِهِ وَ سِرَاجًا مُّبِينًا، ثُمَّ حُبُّ اَهْلِ بَيْتِي الَّذِيْنَ اَذْهَبَ اللّٰهُ عَنْهُمْ الرِّجْسَ، وَ طَهَّرَهُمْ طَهْيَرًا، وَ اعْلَمُ يَا اِبَادِرَا اَنَّ اللّٰهَ عَزَّ وَ جَلَّ جَعَلَ اَهْلَ بَيْتِيْ فِيْ اُمَّتِيْ كَسَفِيْنَةِ نُوْحٍ مِنْ رِكْبَتِهَا نَجَا وَ مَنْ رَغِبَ عَنْهَا غَرْقًا، وَ مِثْلَ بَابِ حِطَّةٍ فِيْ بَنِيْ اِسْرَآئِيْلَ مَنْ دَخَلَهُ كَانَ اٰمِنًا، (ای ابودر! خدا را آنگونه عبادت کن که گویا او را می بینی. اگر تو او را نمی بینی، او تو را می بیند. بدان که سرآغاز عبادت و خداپرستی، «معرفت» و «شناخت» است. او قبل از هر چیز، «اول» است و چیزی پیش از او نبوده است. او یکتایی است که دوئی ندارد. پاینده ای است که نهایت ندارد. آسمانها و زمین و آنچه در آنهاست، پدید آمده از قدرت اوست. او «آگاه» و «توانا» است. پس از توحید، مرحله دوم «بندگی خدا»، ایمان آوردن به من است و اعتراف و اقرار به این که خداوند مرا به سوی تمامی بشریت، به عنوان «بشیر» و «نذیر» فرستاده است، تا این که خلاق را به فرمان خدا به سوی حق (که خداوند است) دعوت کنم. پس از توحید و اعتراف به رسالت من، دوستی کردن با «اهلبیت من» است، این خانه و خانوادهایی که به خواست خدا و اراده او نجس و پلیدی از آن رفته و به «طهارت» رسیده است و بدان ای ابادرا! که خداوند خاندان مرا در میان امتم مانند کشتی نوح قرار داده هر کس سوار شد نجات یافت و هر کس دوری کرد نابود شد و مانند باب حطه است در بنی اسرائیل هر کس وارد شد در امان بود.